



چکیده

تجربه عجیبی است نه برای ما، بلکه برای جهانی که مان می برد از عصر یاریهای واکسین جهانی عبور کرده است و حالا زمان پیکر تراشی پزشکی فرارسیده است. مطمئن هستیم که هیچ مدرسه

ای در شهر و احتمالاً در کشور بازمیست. اما مدرسه مشتاق باز است. چرا؟

رویا اخلاص پور

مرکز دوستدار کودک مشتاق و سال کرونا

خرداد ۱۳۹۹

خرداد ۱۳۹۹ است، گرداگرد سالن مدرسه با فاصله ۲ متری نشسته ایم دوازده نفر هستیم همه ماسک بر چهره داریم، سال کروناست. به رسم نامگذاری های کهن آن را سال کرونا می نامم مثل سال وبا سال طاعون. تجربه عجیبی است نه برای ما، بلکه برای جهانی که گمان می برد از عصر بیماریهای واگیر جهانی عبور کرده است و حالا زمان پیکر تراشی پزشکی فرارسیده است. مطمئن هستیم که هیچ مدرسه ای در شهر و احتمالاً در کشور باز نیست. اما مدرسه مشتاق باز است. چرا؟ از قوانین تبعیت نمی کند؟ اما واقعیت این نیست همه تالارهای عروسی، رستورانها، ورزشگاهها و بازارها گشوده شده اند. اما مدرسه ها نه! به نظرم اشتیاقی وجود ندارد. از اسفندماه ۹۸ باید به این پدیده ناشناخته در مدرسه ها پاسخ می دادیم. به ارتباط خودمان با بچه ها فکر کردیم. بچه هایی که اکثریت شان به وسایلی ارتباطی حتی تلفن خانگی نیز دسترسی ندارند. نمی شد آنها را در خانه ها و خیابانها رها کرد. درباره این روزها گفتگو کردیم و این که چه می توان کرد، با همکاران در انجمن و مدرسه صحبت کردم استقبال کردند. قرار شد هر معلم با تک تک شاگردانش تماس بگیرد. تلفنهایی خاموش بود، بعضی از همان ابتدا شماره تماسی نداشتند. پرسان پرسان پیدایشان کردیم. معلمان به در خانه ها رفتند حال و احوال و شادی اطمینان از سلامتی و پرسشی از سر آramش از درسها ... فراخوان محدودی در گروههای نزدیک دادیم و برای صدوپنجاه خانوار بسته های غذایی فراهم کردیم البته نه یک باره، بلکه به آرامی و در مدت ۲ ماه نیم این بسته ها توزیع شد. بایک حساب سر انگشتی بسته های غذایی می توانست غذای یک هفته خانواده

پنج نفره را تامین کند. اما کافی نبود ماباید با بچه ها وقت بیشتری می گذاشتیم. دوستان نمونه های خوبی از پروتکل های بهداشتی در سطح جهان را در اختیارم گذاشتند و عاقبت تصمیم گرفتیم.



- بچه ها در گروههای سی نفره به مدرسه می آیند (قبل از کرونا گروهها ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفره بود)
- در هر کلاس حداکثر ۴ دانش آموز
- به جای سه ساعت، ۶ ساعت کلاس
- ماسک برای همه معلمان و کودکان بالای ده سال الزامی
- جای بچه ها ثابت
- در طول زمان حضور حداقل چهار بار دستها شسته شود.
- پنجره همه کلاسها باز بدون استفاده از کولر
- استفاده از پنکه برای جابجایی هوا در راهروها



چرا لازم بود مدرسه را باز کنیم ؟

- به نظرم نوعی تعمد و بی مسئولیتی در فضای آموزشی کشور به چشم می خورد که با هر تکان زمین، باران و برف و آلودگی هوا، بین تعطیلی و ... مدرسه ها تعطیل می شدند. به جای تغییر، به جای تصمیمات درست و روشن به دلایل واهی مدرسه ها
- تعطیل می شدند. در کرونا بدون شک این بی تصمیمی درهمه جا خود را نشان می داد.



اینکه مدارس باز باشند یا بسته ، به نظر من در رشد و مشارکت کودکان تاثیر چندانی نداشت اما اینکه برای بیش از ۸۰ درصد بچه هایی که به تلفن هوشمند و لب تاپ دسترسی ندارند و برای همه کودکانی که با یک اینترنت کند دست و پنجه نرم می کنند ، یک آموزش کسل کننده و معیوب مجازی را به جای مدرسه یعنی تعامل و دیدار دوستان بنشانی چیز دیگری است .

اندک افرادی هستند که حاضرند خارج از جعبه فکر کنند ، ما ادعا می کردیم ما آنجاستیم که دیگران نیستند . اکنون نیز تبعیت ما می توانست نوعی شکست در فقدان فکر نو باشد . همانطور که انکار کرونا جنون آمیز بود تعطیل کردن زندگی هم می تواند سلامت روان کودکان را اثر بگذارد .

بچه های گروه اینستاگرامی "مدرسه ای ها " به یاری ام آمدند . آنها بچه هایی بودند که با من از سال سوم دبستان تا هفتم را گذرانده بودند و حالا در اقصی نقاط جهان بسر می بردند . از آلمان تا افغانستان . ایده های دوستان مهاجر در آلمان را معقول یافتم . بازگشایی با تمهیدات در گروههای کوچک و پذیرش این نکته مهم علمی که موسسه کخ اعلام کرده بود اما هنوز پذیرش جهانی نداشت - ویروس کرونا از طریق سطوح منتقل نمی شود - فاصله گذاری مهم است و اهمیت ماسک راهم جدی گرفتم (۸ هفته بعد در ایران ماسک اجباری اعلام شد هر چند که برآن هم نظارتی نیست) .

مدرسه باز شد . برای اینکه بچه ها و خانواده باید حس می کردند که آموزش و به سرانجام رساندن سال تحصیلی برای ما مهم است . ما نمی توانستیم با سپردن بچه ها به فضای مجازی کم سرعت و پلشت و دادن امتحان! از راه دور و صرف گواهینامه ای مسئولیت خود را ایفا کنیم . باور ما این بود که باید مسئولانه و خلاقانه فرصت باهم بودن را برای بچه ها فراهم کنیم .

سخت بود اما غیر ممکن نبود . دختران کلاسهای پنجم و ششم استقبال بسیار خوبی از مدرسه کردند اما حضور آنها با تلاش معلم شان مریم خراسانی امکان پذیر شد . روزهایی بود که آنها با خود مهمانانی می آوردند ، در این روزها کلاس در پارک برگزار می شد . یک روز تصمیم گرفتند همه باهم دیدار کنند بچه ها دلشان تنگ شده بود ، صندلی در پارک به فاصله گذاشته شد بچه ها گفتند

و خندیدند و بازی با فاصله ساختند و با هم غذا خوردند . چطور می توانستیم چنین لحظه ای را دریغ کنیم ؟ (آیا این امکان برای معلمان همه مدارس کشور فراهم نبود؟)

برای سال اولی ها مسئله جور دیگری بود . مدرسه مشتاق حداقل یک سوم کودکانش را سال اولی ها تشکیل می دهند که هر سال تقریباً ۷۰ تا ۷۵ درصد آنها به سال دوم می روند و مابقی تقریباً دو سال را در کلاس اول می گذرانند . باز نشدن مدرسه به این معنا بود که همه این کودکان باید دو سال را در سال اول بگذرانند و این برای آنها که در گروههای سنی ۸ تا ۱۲ سال بودند نا امید کننده بود .

برای بچه های سال دوم ، سال سوم و چهارم بر روی توانایی خواندن نوشتن تاکید شد و همه معلمان اذعان داشتند که در گروههای کوچک بچه ها از تمرکز خوبی برخوردارند و تلاش می کردند به معلم توانایی خود را نشان دهند.

برای ارزیابی و خود ارزیابی یادگیرندگان دفاتری آماده شد که شامل مجموعه ای از مهارت های تحصیلی و مهارت های تفکر و ارتباط بود . این دفاتر به همه کودکان که مهارت های خواندن و نوشتن را فرا گرفته بودند داده شد و در دور دوم که به مدرسه بازگشتند به عنوان مستنداتی که توانایی آنها را نشان می داد تحویل گرفته شد و به آنها گواهی حضور در مدرسه و ارزیابی سطح تحصیلی داده شد.

گروه کوچک این فرصت را به ما داد که هر روز صبح بچه ها در پارک گرد هم بیایند و در فاصله های مناسب بایستند و با معلمانشان فعالیت ورزشی انجام دهند که شادی و شور مدرسه را افزون می کرد . دادن غذا در مدرسه ما همیشه نقطه تلاقی انرژی ، شادی و همدلی است و در این روزهای طولانی به نظر الزامی می رسید .

برای تهیه ماسک و دستمال و حوله تلاش کردیم تا حد امکان از وسایل یک بار مصرف استفاده نکنیم و خودمان آنها را تهیه کنیم .

این دو ماهه عصاره ۱۳ سال کارآموزشی ، خواندن و نوشتن ، ایده پردازی و مشارکت فعالان مرکز دوستدار کودک مشتاق و انجمن دوستداران کودک کرمان بود . تصمیمی ناگهانی و از سراسرتیصال و یا لیج بازی نبود . توانایی آموخته شده در بستر نه فقط ۱۳ سال مدرسه که ۱۸ سال کار مداوم انجمن با کودکان است.